

مجموعه آثار آیت الله طالقانی
شماره (۳)

پرتوی از فقران

جلد دوم

سوره بقره

از آیه ۱۴۳ تا آخر سوره

آیت الله سید محمود طالقانی

به کوشش

مجمع فرهنگی آیت الله طالقانی



سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآورندگان:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک مجموعه آثار آیتا.. طالقانی شماره (۳)،

طالقانی، آیتا.. سید محمود، ۱۲۸۹-۱۳۵۸.

پرتوی از قرآن / سید محمود آیتا.. طالقانی.

تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.

مجموع فرهنگی آیتا.. طالقانی

۴۲۲ ص

ISBN 978-964-325-300-4 (Set)

ISBN 978-964-325-310-3 (Vol.2)

قبا

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت،

یادداشت،

یادداشت،

یادداشت،

یادداشت،

یادداشت،

موضوعات،

موضوع،

شناسه افزوده،

رده بندی کنگره،

رده بندی دیویی،

شماره کتاب شناسی ملی:

کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.

ج ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۱) (قبلا)

کتابنامه

نماینه.

ج ۱. سوره حمد و ۱۴۴ آیه از سوره بقره- ج ۲. سوره بقره از آیه ۱۴۳ تا آخر سوره

تفاسیر شیعه - قرن ۱۴

شرکت سهامی انتشار

۱۳۹۰ ب ۲ ط ۹۸/۸ BP

۲۹۷/۱۷۹

۲۴۸۷۷۷۲

پرتوی از قرآن

جلد دوم

تألیف: آیتا.. سید محمود طالقانی

ناشر: شرکت سهامی انتشار

به کوشش مجمع فرهنگی آیتا.. طالقانی

چاپ اول: ۱۳۹۱

چاپخانه حیدری: ۱۱۰۰ نسخه

۱۴۵۰۰ تومان



شرکت سهامی انتشار

دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸ تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۱۸

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نبش خیابان ملت، شماره ۹۲ تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴

فروشگاه شماره ۱: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۸۴ دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴



مجمع فرهنگی آیتا.. طالقانی

مجمع فرهنگی آیتا.. طالقانی: سدهای شمالی، خیابان شهید برادران قلندری، بعد از چهارراه ظهیرالاسلام، پلاک ۱۹۱

کدپستی: ۱۱۴۸۹۳۵۱۱۱ ح ۱۵۵-۱۱۴۹۵ تلفکس: ۷۷۵۳۷۰۲۲

Email: info@wsp.ir

فهرست مطالب

- دریچه : یادآوری نکاتی از مجتمع ۲۱
- مقدمه رئیس کمیته علمی مجتمع ۲۳
- مقدمه مؤلف ۲۵

از آیه ۱۴۴ تا ۱۵۰ :

بی‌تابی و انتظار رسول خدا برای تغییر قبله، فرمان به روی آوردن سوی مسجدالحرام و گسترش این قبله به همه جا و در هر حال اهل کتاب این قبله را حق می‌دانند و به قبله خود تعصب می‌ورزند. با علم به این حقیقت، نباید از هواهای آنان پیروی شود. اهل کتاب او را با همه اوصافش می‌شناسند و فریبش نمی‌کنند. هر ملت و گروهی را جهتی است که به اراده خدا به آن سوی می‌گروند. پس در مسابقه برای خیر همه کوشا باشید. در هر وضعی که باشید سوی مسجدالحرام روی آرید تا هیچ احتجاجی بر شما نباشد و برای آنکه نعمت تکمیل شود.

ص ۲۹ تا ۴۸

از آیه ۱۵۱ تا ۱۵۸ :

تکمیل قبله و جهت‌گیری به سوی آن ملازم تکمیل نبوتی است که صورت شده تا بر شما همی آیات او را بخواند و شما را ترکیه کند و تعلیم دهد آنچه را خود نمی‌دانستید. پس باید این نعمت را سپاس گزارید و به یاد خدا باشید تا نعمش کامل تر گردد. در این جهت‌گیری و جبهه‌بندی باید از صبر و صلاۀ نیر و گیرید و کلمه مرگ را در باره شهدا به زبان نیاورید و آن‌ها را زنده شکوهمند بدانید. باید با ترس و گرسنگی و کم و کاست مال و جان، آزمایش شوید تا بردباران پایدار، با چهره بشارت‌یابشان نمودار شوند. همان‌ها که هنگام برخورد مصائب هشیارانه خود را برای خدا و به سوی خدا می‌نگرند. این‌ها مشمول درودها و رحمت



پروردگار و هدایت یافتگانند. صفا و مروءه از شعائر الهی است، پس آنکه به حج یا عمره روی می آورد در آن طواف کند و هرچه بیشتر خود را برای انجام خیر و پذیرش آماده است.

ص ۴۹ تا ۶۲

از آیه ۱۵۹ تا ۱۶۴:

آن‌ها که بینات نازل شده و هدایت را کتمان کنند رانده خدا و خلقند و اگر توبه و اصلاح و بیان کنند خدا از آن‌ها می‌گذرد و اگر به حال کفر مردند برای همیشه رانده خدا و فرشتگان و مردم می‌شوند و عذابشان سبک نمی‌شود. خداوند شما، یک و یگانه است؛ همان که سرچشمه رحمت است. آفرینش آسمان و زمین و اختلاف شب و روز و بارانی را که می‌باراند تا زمین را زنده گرداند و پدیده‌های زنده‌ای که پراکنده کرده و پادشاهی را که به هر سو می‌گرداند و ابرهای مسخر شده در فضا - این‌ها با پیوستگی نظامی که دارند - همه آیات توحیدند.

ص ۶۳ تا ۷۳

از آیه ۱۶۵ تا ۱۷۱:

برخی مردم کوتاه اندیش برای خدا مانده‌ایی می‌گیرند که با آنان پیوند دوستی بنند. آن‌ها که ایمان دارند پیوند محبت‌شان به خدا شدیدتر و پایدارتر است. روزی می‌رسد که ستم‌پیشگان بت تراش بنکرند که همه نیروها از آن خداست، همان که، عذابش بسی سخت است. آنگاه است که متبوع‌ها از تابع‌ها تبری جویند و عذاب را به چشم ببینند و هرگونه سبب و رابطه‌ای میان آنان قطع شود. و تابعین آرزوی برگشت کنند تا از متبوع‌های خود تبری جویند این گونه کارهای شان حسرت‌ها و عذاب‌ها آورد که هیچ از آن بیرون نیابند. مردم همگی باید از آنچه در زمین پاکیزه و حلال گشته بخورند و بهره‌مند شوند و پیروی از گام‌های شیطان نکنند چه او دشمنی است آشکار. این همان شیطان است که به بدی و زشتی وامی‌دارد تا آنجا که به خدا نسبت می‌دهید آنچه را خود نمی‌دانید. چون به پیروان شیطان گفته شود که از آنچه خدا نازل فرموده پیروی کنید، گویند از آنچه پدران ما بر آن بودند پیروی داریم با آنکه پدرانشان نه تعقل داشتند و نه هدایت. داستان این چشم و گوش‌بستگان بی عقل، چون حیوان‌هایی است که جز خواندنی و فریادی نمی‌شنوند.

ص ۷۴ تا ۸۴



از آیه ۱۷۲ تا ۱۷۷:

مؤمنان که فقط خدا را می پرستند باید از روزی های پاکیزه برخوردار باشند و خدا را سپاس گزارند و بدانند که آنچه تحریم شده میته است و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا ذبح شده مگر آنکه مضطر شوند. آن ها که احکام خدا را برای اندک بهره ای کتمان می کنند، در واقع با همه شکم آتش می خورند و خدا در روز رستاخیز با آنان سخن نمی گوید و تزکیه شان نمی کند و عذابی بس دردناک دارند. این ها گمراهی را به عوض هدایت و عذاب را به عوض مغفرت می خرنند و عذابشان بس توان فرساست. چون خدا کتاب را به حق نازل کرده و آن ها که در باره کتاب اختلاف پیش می آورند خود در حال جدایی با دیگران به سر می برند. همه نیکی همین نیست که روی به مشرق آورید یا به سوی مغرب. نیکی و نیک فزایی را کسی دارد که بخد و روز و اسیر و فرشتگان و کتاب و پیمبران ایمان آورده و مال را به خویشان و یتیمان و در ماندگان و در راه ماندگان و برای آزادی گردن ها بذل کند و نماز را بپا دارد و زکات دهد و به عهد وفا کند و در سختی ها و زیان ها و در میان کارزار بردبار باشد این ها مردان راستین و متقین هستند.

ص ۸۵ تا ۹۷

از آیه ۱۷۸ تا ۱۸۵:

این حکم قطعی است که چون قتلی پیش آید قصاص می باید تا بل هر که و مقتول هر که باشد: آزاد یا بنده، مرد یا زن، اگر همیستگی ایمانی و عاقله برادری به عفو کشاند، باید دیه ای در حد عرف و احسان پرداخته شود؛ این از جهت رحمت ربوبی است، مگر آنکه جنایت تکرار شود. قصاص به سود همه و خیر همه است. حیات است. وصیت در هنگام مرگ واجب است برای والدین و خویشان و حتی است بر متقین. همین که وصیت ضبط و ثبت گردید، دیگری نباید آن را تبدیل کند و اگر از وصیت کننده نظر ناروا و تجاوز به حقی احساس شد باید اصلاح شود. روزه واجبی سرنوشت شده است آن چنان که بر پیشینیان واجب بوده، باید در روزهای شمرده و مشخصی انجام گیرد و اگر در آن روزها کسی بیمار و یا مسافر بود در روزهای دیگر انجام دهد و کسانی که توان آن را ندارند فدیة دهند به اندازه



سیر کردن بینوایی. و هرچه اطاعت بیش تر خیرش فزون تر می شود. و روزه داری خیر و منشأ خیر است. ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده که هدایت برای همه و مبین و فارق است. پس آنکه این ماه را دریابد باید در آن روزه بدارد مگر آنکه بیمار و یا مسافر باشد. باید به خواست خدا که سختی نخواسته، روزه ها را در آن روزها تکمیل کنید و خدا را به بزرگی یاد کنید و سپاسگزار شوید.

ص ۹۸ تا ۱۱۸

از آیه ۱۸۶ تا ۱۸۹:

آن بدگان جوینده که مرا جویند باید بدانند که من نزدیکم و به خواهان خود که همین مرا خواهند روی اجابت می نمایم، پس هر چه بیشتر فرمان پذیر و اجابت کننده من باشند و به من ایمان آرند تا به رشد گرایند. در شب روزه آمیزش با زن خود حلال شده چه آن ها پوشش اند برای شما و شما برای آنان. و اگر حلال نبود خود را دچار خیانت می کردید. خدا از شما درگذشت و توبه شما را پذیرفت. پس با آنان در آمیزید و آنچه خدا سر نوشت کرده بجوید. و بخورید و بیاشامید تا آنگاه که خط سپیده دم از سیاهی شب خدا طالع شود، سپس روزه را تا آغاز تاریکی شب به پایان رسانید. و در هنگام استکاف در مساجد با زن در نیامیزید این ها حدود خداست که بیان شده، به آن نزدیک نشوید تا شاید راه تقوا پیش گیرید. اموالی که باید در میان شما باشد به باطل نخورید و آن ها را به سوی چاه حکام سرازیر نکنید تا قسمتی از اموال مردم را به ستم و گناه بخورند. از هلال ها می پرسند بگو برای تشخیص اوقات مردم و زمان حج است. نیکی آن نیست که از پشت وارد خانه شوید. نیکی تقواست و باید از درها وارد خانه شوید شاید رستگار شوید.

ص ۱۱۹ تا ۱۳۵

از آیه ۱۹۰ تا ۱۹۹:

فرمان جهاد فی سبیل الله - در راه آزادی انسان ها در قیود بندهای عبادت و قوانین بشری و تشخیص و تحقق احکام الهی - جنگ با آن هاست که با مؤمنان به حق، سر جنگ دارند. مؤمنان در این جهاد مقدس نباید از حق تجاوز کنند چون خدا با تجاوزگران دوستی و همکاری ندارد. باید آن ها را که فتنه جویند و سر جنگ دارند، در هر جا پایه گرفتند و در دسترس بودند کشت و بیرون راند همان

سان که آن‌ها مؤمنان را بیرون رانند، چه آشوبگری زیانش سخت‌تر از کشتار است و نباید در حریم مسجدالحرام دست به کشتار آنان گشود مگر آنکه آن‌ها دست به کشتار مسلمانان گشایند، پس باید آن‌ها را کشت و همین پاداش کافرکیشان است. و اگر آن‌ها از جنگ بازایستند باید مسلمانان هم از جنگ خشونت باز ایستند و صفات غفور و رحیم خدا را بنمایانند. تا آن‌جا مسلمانان در جنگ و کشتار پیش روند که فتنه از میان برداشته شود و حاکمیت خدا و دین او پایه گیرد این جنگ تنها در برابر ستمکاران است. کارزار شما در ماه حرام در برابر کارزار آنان در ماه حرام است و حرمت‌ها و حریم‌ها قصاص دارد پس هر که بر شما دست تجاوز گشاید شما هم قصاص کنید در حد تجاوز آن‌ها و از خدا پروا گیرید و بدانید که خدا یار متقین است. و اتفاق کنید در راه خدا و با خودداری از اتفاق خود را به دست خود به هلاکت نیندازید و احسان کنید چه خدا دوستدار احسان‌کنندگان است. حج و عمره را برای خدا به کمال رسانید و تمام کنید و اگر محصور شدید تا آن‌جا که بتوانید و امکان داشته باشید قربانی کنید و سرهای خود را تراشید تا قربانی شما به جایی که باید برسد و اگر کسی در این حال بیمار یا آزاری در سرش بود باید فدیة دهد؛ از روزه یا صدقه یا قربانی. و در حال امنیت و باز بودن راه حج، آنان که به سبب عمره تا آغاز حج متع یا ضعیف، آنچه را از قربانی که توانند انجام دهند و آن‌ها که قربانی نیابند باید سه روز روزه در ایام حج و هفت روز پس از بازگشت بدارد تا ده روز کامل شود. این حکم برای آنان است که خانه و وطن در مسجدالحرام ندارند. حج در ماه‌های معین است و آن‌که در این ماه‌ها آهنگ حج نماید باید از آمیزش با زن و گناهکاری و سستی‌گری برکنار شود و هر چه می‌تواند از خیر توشه بگیرد، و بهترین توشه‌ها تقواست و خردمندان باید از خدا پروا گیرند و در حج هر چه می‌توانند فضل پروردگار را دریابند و همین که از عرفات کوچ کردند در مشعرالحرام خدا را به یاد آرند همان سان که هدایت کرده است، اگر چه پیش از آن گمراه بودید. سپس باید یکبار و با هم از همان‌جا که همه کوچ می‌کنند کوچ کنند و آمرزش جویند.



از آیه ۲۰۰ تا ۲۱۰:

خدا پرستان احرام بسته، همین که مناسک خود را انجام دادند باید با آگاهی خدا را به یاد آرند چونان که پدران خود را به یاد دارند و یا بیش از آن. در آن پیشگاه، برخی مردم از پروردگارشان همین بهره دنیا جویند و در آخرت بهره‌ای ندارند و گروهی بهره نیک دنیا و آخرت و صیانت از عذاب خواهند. این‌ها نصیبی از کار و فرآورده خود دارند و حساب کارشان را خدا می‌رسد. و باید خدا را در روزهای شمرده شده به یاد آرند و هر که در آن روزها پیشی گیرد و یا تأخیر کند گناهی بر وی نیست اگر در نگهداری حدود پروا گیرد و چشم به خدا و حشر به سوی او داشته باشد. بعضی از مردمند که سخنانشان در باره دنیا شگفت‌انگیز و فریبنده است و خدا را گواهی می‌آورند تا خلق باور کنند که اندیشه‌ای جز خیر و احسان ندارد، با آنکه کینه جو دشمن خلق است. و همین که زمامداری یافت تلاشش همین است که در زمین فساد کند و کشت و نسل را از میان بردارد با آنکه خدا فساد را دوست ندارد، چون این طاعی ستی پیشه به چیزی جز بسط قدرت خود نمی‌اندیشد، چون کسی بخواهد پندش دهد و از خدا و عاقبت کارش بیمناکش کند، بر طغیانش افزوده می‌شود. همین دورخی که برایش فراهم شده و به سوی آن پیش می‌رود او را بس. در مقابل آن طاعی، مردمی هستند که جان خود را در برابر خرید خوشنودی خدا می‌فروشند این‌ها نمودار و مجرای رأیت خدایند و خدا به بندگان رؤوف است. گروندگان به حق باید آگاهانه به محیط سلم و سلامت درآیند و از گام‌های شیطان که رویش نهان و دشمنی‌اش آشکار است بی‌روی نکنند و اگر پس از آمدن و دریافت بینات لغزینند خدای عزیز و حکیم در نمی‌گذرد. پس از این آیات روشنگر، دیگر چه انتظار دارند جز آن که کار جهان به پایان رسد و امر خدا در سایه‌ای از ابرها و غبار طبیعت، روی آرد و همچنین فرشتگان و همه به سوی او بازگردد.

ص ۱۵۵ تا ۱۷۱

از آیه ۲۱۱ تا ۲۱۶:

از بنی اسرائیل باید پرسش شود که چه آیات روشنگری به آنان داده شد و ناسپاسی کردند و آیات را دگرگون ساختند. و هر که چنین کند دچار عذابی شدید

می‌شود. برای آنان که روی از حق گردانده و کافر شدند، زندگی دنیا آرایش یافته و همی مسخره کنند به آنان که ایمان آورده‌اند و کسانی که تقوا گزیدند در روز قیامت برتری دارند و خدا به حسب مشیت خود هر که را بخواهد بسی حساب روزی می‌دهد. مردم امت یگانه‌ای بودند، پس از آن خداوند پیمبران را با تبشیر و انذار برانگیخت و با آنان کتاب را به حق نازل فرمود تا در میان مردم حکومت کند در باره آنچه اختلاف کردند. اختلاف را همان‌ها پیش آوردند که کتاب و بینات به آنان داده شد. منشأ این اختلاف ستیزه‌گری بود که در میان خویش آوردند. پس از آن خداوند به آن خود، مؤمنین به حق را رهبری فرمود. مشیت خدا چنین است که هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. گمانی نابخداست که به بهشت درآید با آنکه داستان‌های انگیزش‌بخش برای شما پیش نیامده؛ همان‌ها که آنچنان سختی و زیان به آن‌ها رسید و متزلزل شدند که پیمبر و مؤمنان به او، گفتند کی یاری خدا می‌رسد؟! آگاه باشید که یاری خدا بس نزدیک است. می‌پرستند که چه باید اتفاق کنند؟ بگو هر چه و از هر خیری اتفاق کنی برای پدر و مادر و خویشان و یتیمان و ینوایان و در راه ماندگان است و هر چه اتفاق کنی خدا می‌داند. جهاد بر شما سرنوشت شده است با آنکه خوش آیند شما نیست چه بسا چیزی را خوش نداشتید با آنکه برای شما خیر است و چه بسا چیزی را خوش دارید و آن برای شما شر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

از آیه ۲۱۷ تا ۲۲۳:

جنگ در ماه حرام گناهی بزرگ و بازداشت از راه خدا و کفر به آن و به مسجد الحرام و اخراج اهل مسجد الحرام از آن گناهی بزرگتر است در پیشگاه خدا و گناه فتنه بزرگتر است از کشتار. و آن‌ها با شما پیوسته می‌جنگند تا هر چه توانند شما را از دینتان برگردانند. و از شما هر که از دین خود برگردد و در حال کفر بمیرد، اعمالش در دنیا و آخرت نابود می‌شود و همین‌ها همراه آتش و در آن جاودان‌اند. آن‌هایی چشم امید به رحمت خدا دارند که ایمان آورده‌اند و همان‌ها که هجرت گزیدند و در راه خدا جهاد کردند. در باره شراب و قمار؟ بگو: در آن دو گناهی بزرگ است و سودهای پراکنده‌ای دارد و گناه آن دو، از سودشان بس بزرگتر



می باشد. در باره آنچه باید اتفاق کنند؟ بگو گذشت را. این گونه خدا آیاتش را تبیین می نماید تا شاید بیندیشند، چه در امور دنیا و چه آخرت. در باره یتیمان؟ بگو بهتر همان که به اصلاح شان کوشید و اگر آنان را با زندگی خود در آمیختید برادران شمايند و خدا مقصد را از مصلح باز می شناسد و اگر خواهد شما را در باره مسئولیت یتیمان دچار دشواری می کند چون همان خدا عزیز و حکیم است. زنان مشرک تا ایمان نیاورده اند به همسری شان نگیرید، چه یک کنیز، بهتر و برتر است از زن مشرک گرچه فریفته او شوید. به مرد مشرک هم زن ندهید تا ایمان آورد، چه یک بنده مؤمن برتر از مشرک است گرچه فریفته اش شوید. مشرکان به سوی آتش می خوانند و خدا به سوی بهشت و آمرزش و آیات خود را برای مردم تبیین می کند شاید آگاهی یابند. در باره حیض؟ بگو آزاری است، پس در حال حیض از زنان کناره گیرید و به آن ها نزدیک نشوید تا پاک شوند و چون پاک شدند، آن سان که خدا دستور داده به آنان روی آورید! خدا توبه کاران و پاکیزگان را دوست می دارد. زنان شما برای شما کشتزارند به کشتزار خود روی آرید آن گونه که خواهید و برای خود پیش فرستید و از خدا پروا نیابید و بدانید که او را ملاقات کننده اید و مؤمنان را بشارت است.

ص ۱۸۷ تا ۲۱۱

از آیه ۲۲۴ تا ۲۳۲:

نباید خدا را در معرض سوگندهای خود قرار دهید به جای آنکه نیکی و تقوا و اصلاح میان مردم را پیش گیرید، و به خدای بس شنوای دانا آگاه باشید. خدا به سوگندهای لغو شما را بازخواست نمی کند، خدا به آنچه دل های شما کسب کرده بازخواست می کند، خدا آمرزنده و بردبار است. به آن ها که سوگند می آورند تا از زنان خود کناره گیری کنند، مهلت چهار ماه است پس از آن اگر باز آیند که خدا در گذرنده ای مهربان است و اگر عزم طلاق کردند، خدا شنوای داناست. زنان طلاق داده شده، خود را در مدت سه پاکی نگه می دارند و روا نیست که آنچه در رحم هایشان آفریده شده مکث کنند. در این مدت اگر قصد اصلاح داشته باشند شوهران شان سزاوارترند که آنان را به خود بازگردانند. و برای زنان حق شناخته شده ای است بیان آنچه بر آنان است و مردان را بر آن ها یک گونه برتری است، و



خداست عزتمند حکیم، آن طلاق دوبار است. پس از آن یا نگهداری با حق شناخته، و یا رهایی با نیکی. و روا نیست که از آنچه به آنان داده‌اید چیزی را باز گیرید مگر آنکه برسید از اینکه حدود خدا را به پا ندارند، در این صورت گناهی نیست در باره آنچه زن برای رهایی خود فدیة دهد. این حدود خداست که نباید از آن تجاوز کنید و آن‌ها که از حدود خدا تجاوز کنند ستمکارانند. و اگر بار سوم آن زن را طلاق داد دیگر بر آن مرد حلال نیست، مگر آنکه آن زن شوهر دیگری گیرد. پس اگر شوهر دوم او را طلاق داد، گناهی بر آنان نیست که به هم بازگردند اگر گمان دارند که حدود خدا را به پا می‌دارند. این حدود خداست که برای دانشگرایان تبیین می‌نماید. و چون زنان خود را رها کردند و مدتشان سر رسید یا با حق شناخته نگاهشانی دارید یا یکسر رهاشان کنید و آن‌ها را به منظور زیان رساندن و تعدی به حقشان نگه ندارید و هر که چنین کند به خود ستم روا داشته است. و آیات خدا را به بازی نگیرید و نعمت خدا را به یاد آورید. و همچنین آنچه از کتاب و حکمت که شما را پند می‌دهد برای شما فرو فرستاده و از خدا پروا گیرید و بدانید که او به هر چه داناست. چون زنان را طلاق دادید و مدتشان سر آمد، بر آنان سخت نگیرید و بازشان ندارید از اینکه به شوهری گیرند آن شوهرانی را که گزیده‌اند، در صورتی که با حق شناخته، در میان خود رضایت دهند. این پند را کسانی پذیرا می‌شوند که به خدا و روز آخرت ایمان می‌آورند. انجام این احکام، برای شما برومندی و پاکیزگی بیشتر آورد چه خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. ص ۲۱۲ تا ۲۳۳

از آیه ۲۳۳ تا ۲۴۲:

مادران، نوزدان خود را دو سال کامل شیر می‌دهند اگر بخواهند شیر را تکمیل کنند، و بر عهده پدران است روزی و پوشاک زنان شیرده، در حد متعارف و توانایی. و نباید به مادر و پدری به سبب فرزندان‌شان زیان رسد. وارث نیز عهده‌دار همین مسئولیت است. اگر پدر و مادر خواستند طفل را پیش از پایان دو سال از شیر باز گیرند گناهی بر آنان نیست در صورتی که با رضایت آن دو و با مشورت باشد. و اگر خواستند برای فرزندان خود دایه گیرند باکی نیست آنگاه که آنچه باید به دایه دهند به نیکی دهند، و باید از خدا پروا گیرند و خدا را ناظری



بصیر بر کارهای خود داند. زن‌هایی که شوهرانشان وفات کنند، چهار ماه و ده روز درنگ می‌کنند و پس از پایان این مدت، در سر نوشت خود آزادند در حد حق شناخته، و در این مدت گناهی نیست که با کنایه از آنان خواستگاری کنید یا پوشیده دارید. و نباید مواعده پنهانی با آن‌ها داشته باشید مگر با سخنی پسندیده. و عزم به عقد نکاح نکنید تا آن مدت به پایان رسد و این را بدانید که خدا انگیزه‌ها و اندیشه‌های درونی شما را می‌داند و خدا آمرزنده و بردبار است. گناهی نیست در این که زن‌های عقد شده را پیش از آمیزش یا مهر مشخص، طلاق دهید. و به آنان بهره‌ای دهید به اندازه توانایی و حق شناخته و این بر نیکوکاران فرض است. و اگر طلاق دادید پیش از آمیزش در صورتی که مهر معینی فرض کرده باشید، باید نصف آن را بدهید مگر آنکه زن‌ها خود و یا آن‌ها که عقد نکاح به دستشان است چشم ببوشند، چشم‌پوشی، به توان‌زده‌تر است و نباید نیکی و نیکوکاری در میان خود را از یاد ببرید و خدا به آنچه می‌کنید بیناست. نگهدار و نگهدار نماز باشید بخصوص نماز وسطی و فروتانه برای خدا قیام کنید، و اگر در حال ترس بودید نماز را پیاده و یا سواره انجام دهید و چون امنیت یابید، آن گونه که خدا به شما آموخته و خود نمی‌دانستید، خدا را به یاد آرید. مردانی که در حال مرگ‌اند و همسرانی دارند، سزده وصیت کنند برای آن‌ها بهره‌ای را تا یکسال و اینکه بیرون رانده نشوند و اگر خود بیرون رفتند بر شما مسئولیتی نیست و آزادند در آنچه در باره خود کنند در حد حقوق شناخته شده. و خدا عزیز حکیم است. برای زنان طلاق داده شده بهره‌ای می‌باید؛ حقی در حد متعارف، بر متقین است. این گونه خدا آیات خود را تبیین می‌نماید تا شاید خردجو شوید.

ص ۲۳۴ تا ۲۵۲

از آیه ۲۴۳ تا ۲۵۲:

به کسانی بنگرید که از دیارشان بیرون رفتند، از ترس مرگ! و آن‌ها هزارها بودند. پس خدا به آنان فرمان مرگ داد سپس زنده‌شان کرد چه خداوند را فضلی بر مردم است، گر چه بیشتر مردم سپاسگزار نیستند. برای پیشبرد دین خدا جهاد کنید و بدانید که خدا شنوا و دانای به سخنان نهان و آشکار و انگیزه‌های درونی شما است. آن‌ها که سرمایه‌های مادی و معنوی خود را در راه خدا می‌دهند، در واقع به

خدا قرض می دهند که پس از آن آن را چندین برابر می افزاید و باز می گرداند و خداوند همی قبض می کند و بسط می دهد و کمال می بخشد و به سوی او بازگردانده می شوند. به سران بنی اسرائیل پس از موسی باید نگریست که از پیمبرشان درخواست پادشاهی کردند تا به زمامداری وی در راه خدا بجنکنند. چون آن پیمبر در آمادگی آنان برای کارزار تردید نمود، گفتند با آنکه هستی ما از میان رفته و از دیوار و فرزندمان مانده ایم چرا نجنسیم؟ ولی همین که هنگام کارزار رسید جز اندکی هم روی گردانند. چون در میان خود ستم پیشه بودند و خدا به اندیشه و عاقبت کار ستم کاران آگاه است. پیمبرشان گفت که خدا طالوت را به شاهی برای شما برانگیخته. گفتند چگونه او را بر ما شاهی باشد، با آنکه ما شایسته تریم به آن و او را مال وافر نیست. آن پیمبر گفت که خداوی را برگزیده و افزوده است او را در علم و جسم و خدا بر طبق مشیت حکیمانه اش، فرمانروایی را به هر که خواهد می دهد چون علمش فراگیرنده و نافذ است. پیمبرشان گفت که نشانه فرمانروایی طالوت این است که تابوت به شما بر می گردد که در آن آرامشی است از پروردگار شما و بجا مانده ای از آنچه آل موسی و آل هارون واگذارند، آن را فرشتگان حمل می کنند! این آیه، برای کسانی از شما می باشد که ایمان دارند. پس همین که طالوت سپاهیان را از میان مردم جدا کرد و همراه خود بسیج کرد، گفت: می آید شما را خدا به جوی آبی، پس کسانی که یکسر از آن بیاشامند از من نیستند و آن ها که هیچ از آن نجشند از من می باشند، و آن ها که از آن کفی آب نوشند از هر دو گروه جدایند. پس جز اندکی از آنان، همه از آن جوی آشامیدند. و همین که طالوت و کسانی که با او ثابت ماندند از نهر گذشتند و با دشمن روبرو شدند گفتند امروز ما را توان جنگ با جالوت و سپاهیان نیست. و آن ها که گمان داشتند که خدا را ملاقات کننده اند، گفتند: چه بسا گروه اندکی که به اذن خدا بر گروه بسیاری چیره می شود و خدا با شکیبایان است. و همین که روبرو شدند با جالوت و سپاهیان، گفتند: پروردگار ما! البریز کن بر ما شکیبایی را و ثابت بدار قدم های ما را و یاری و پیروزی بده ما را بر کافران، پس شکست دادند سپاهیان جالوت را و داود جالوت را کشت و خداوند به وی فرمانروایی و حکمت و دیگر



فضیلت‌ها داد. و اگر این قانون نبود، که خدا مردمی را، با برانگیختن مردم دیگر دفع می‌کند، زمین را فساد می‌گرفت ولی خداوند دارای فضل است که فضلش را بر جهانیان می‌گستراند. این آیات خداست که بر توای پیمبر همی خوانیم و گواو این حقیقت است که از فرستادگان خدایی.

ص ۲۵۳ تا ۲۸۶

از آیه ۲۵۳ تا ۲۶۰:

این پیمبران عالی قدرند که خداوند بعضی را بر بعضی دیگر برتری داد، با بعضی سخن گفته و درجات بعضی را بالا برده و به عیسی بن مریم بینات داده و او را به وسیله روح القدس تأیید کرده. با همه این‌ها، کسانی که پس از این پیمبران بودند با آن بینات، نبایستی به جنگ و ستیزه درآیند ولی خدا نخواست و مختلف شدند. بعضی ایمان آوردند و بعضی به کفر گراییدند. این مشیت حکیمانه و جاری خدا است و بر طبق آن، آنچه خواهد می‌کند. آن‌ها که ایمان آورده‌اند باید از آنچه روزی داده شده‌اند انفاق کنند. پس از آنکه روزی رسد که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی صمیمانه‌ای و نه شفاعتی است و کفر پیشگان همان ستم‌کارانند. خدا همان خداوندی که جز او خدایی نیست، پس دیده و بایدار و نگهدار است. او رانه پینکی می‌گیرد و نه خواب، برای اوست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، کیست آنکه در پیشگاهش شفاعت کند مگر به اذنش، می‌داند آنچه در پیش دارند و آنچه پشت سرشان است، احاطه نمی‌یابند به چیزی از علمش مگر به آنچه خود خواهد، فرا گرفته است کرسی فرمانش آسمان‌ها و زمین را، رخنه نمی‌کند او را نگهداری آن‌ها و او برترین و عظیم است. هیچ اکراهی در دین نیست، رشد از گمراهی بس جدا و آشکارا گشته، پس آنکه به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آرد به دستاویز استوارتری آویخته که گسیخته نشود، همان خدای بس شنوا و دانا. خدا سرپرست و کارگزار کسانی است که ایمان آورده‌اند، آن‌ها را همی از تاریکی‌ها به سوی نور می‌برد. و کارگزاران آن‌ها که به کفر گراییده‌اند طاغوت است که از نور به سوی تاریکی‌ها می‌برد. و همین‌ها یاران آتش‌اند و در آن جاودان. به منطق طاغوتی بنگرید که با ابراهیم در باره پروردگارش احتجاج کرد از این رو که خدا به وی ملکی داده بود: ابراهیم گفت: پروردگار من همان است که

همی زنده می کند و می میراند. او گفت من هم زنده می کنم و می میرانم. ابراهیم گفت: خداوند آفتاب را از مشرق برمی آورد، پس تو از مغرب برآور! پس آن کافر کیش بهت زده شد! چه خداوند مردم ستمکار را رهبری نمی کند. یا چون کسی که بر دهکده ای گذشت که یکسر ویران و تهی شده بود، گفت: چگونه و کی این را خدا زنده می کند پس از چنین مرگی؟ پس خدا او را صدسال میراند. سپس برانگیخت و به او گفت: چندی درنگ یافتی؟ او گفت: روزی یا بعض روزی. گفت: نه، بلکه صدسال درنگ کردی: پس بنگر به خوراک و آبت که دگرگون نگشته و بنگر به الاغت! و تو را نشانه ای برای مردم می گردانیم. و بنگر به آن استخوان ها که چگونه آن ها را برمی آوریم و پیوند می دهیم سپس آن را به گوشت می پوشانیم. پس همین که برایش تبیین شد، گفت می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست. و آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا! من نشان ده که چگونه زنده می کنی مردگان را؟ پروردگارش به او گفت: مگر ایمان نیاورده ای؟ گفت: آری، ولی می خواهم قلبم مطمئن شود. گفت: برگیر چهار گونه پرده را سپس آن ها را به سوی خود متمایل و آموخته ساز، آنگاه از هر یک از آن ها جزئی را بالای کوهی قرار ده، سپس آن ها را به سوی خود بخوان تا بنگری که شتابان به سوی تو رهسپار می شوند و بدان که خدا عزیز حکیم است.

ص ۲۸۷ تا ۳۲۹

از آیه ۲۶۱ تا ۲۷۴:

نمودار آنان که انفاق می کنند در راه خدا، بسان دانه ای است که هست سنبیل برویاند و در هر سنبیل صد دانه باشد. و خدا برای آن کس که بخواند همی می افزاید. چه خدا را قدرتی فراگیرنده و او بس داناست. آن ها که اموال خود را در راه خدا انفاق کنند و در پی آن، منت و آزاری نیاورند، پاداشی را که از آن خودشان است، نزد پروردگارش دارند و دیگر نه ترس دارند و نه اندوهگین می شوند. گفتاری نیکو و چشم پوشی، بهتر از صدقه ای است که در پی آن آزاری باشد، چه خدا بی نیاز بردبار است. آنان که ایمان آورده اند، نباید صدقه های خود را به سبب منت و آزار باطل کنند و مانند کسانی باشند که مال خود را باریکاری می دهند و ایمان به خدا و آخرت ندارند. داستان این گونه مردم مانند سنگ صاف و لغزانی است که بر آن



اندک خاکی باشد و باران تندی بر آن زند و سخت و خشک به جای ماند، این ها از آنچه کسب کرده اند چیزی دریافت نمی دارند و خدا کافران را هدایت نمی کند. و داستان کسانی که اموالشان را برای دریافت خشنودی خدا و استواری نفوس خود اتفاق می کنند، همانند باغی است که در پشته ای باشد و باران تندی به آن رسد که بهره اش را چند برابر برویاند. و اگر باران تندی آن را نرسد همان شبنم آن را بس است چه خدا به آنچه می کنید بس بیناست. آیا کسی دوست می دارد که برایش باغی باشد یا میوه های گوناگون که جوی ها در آن جاری باشد و خود به دوران پیری و ناتوانی رسد و فرزندان ناتوانی داشته باشد و ناگاه گردباد سوزانی آن باغ را بزند و بسوزاند؟! این گونه خدا آیات خود را برای شما تبیین می نماید تا شاید بیندیشید. کسانی که آگاهانه ایمان دارند باید اتفاق کنند، از یاکیزه های آنچه کسب کرده اند و آنچه از زمین بر آورده شده است و نباید برای اتفاق، از چیزهای پست و بی ارزش گزینند که خود با چشم پوشی آن را می پذیرند و بدانند که خدا بس بی نیاز بر دبار است. آن که هنگام اتفاق، از بینوایی بیم می دهد و به فحشا و امی دارد، همان شیطان است. و خدا توید مغفرت و فضل خود را می دهد و خدا فضلش واسع و خود داناست. حکمت را به هر که خواهد می دهد و هر که حکمت را یابد خیر بسیاری دریافته و جز اندیشمندان، آگاه نمی شوند. و آنچه اتفاق و یا نذر کنید خدا آن را می داند و آن ها که امساک کنند و یا به ریا و مودیانة اتفاق کنند ستمکارانند و ستمکاران یاوری ندارند. اگر صدقات، آشکارا داده شود نیک است و اگر نهانی به بینوایان داده شود بهتر است و گناهان را می زداید، چه خدا به آنچه عمل کنند بس آگاه است. آنچه بر بیمبر است رهنمایی مردم است به راهیابی آنان، آن خداست که هر که را خواهد راهیاب می نماید. پس، از اتفاق به هر دست حتی نباید دریغ شود، چه هر چیزی که اتفاق شود به سود خود اتفاق کننده است که بی جوی خشنودی خدا می باشد و به صورت کامل تری به وی باز می گردد و کم و کاستی ندارد. صدقه ها و اتفاق ها، از آن بینوایانی است که در راه خدا محصور شده و توان کوشش برای روزی ندارند. همان مردمی که چنان با غفت و خود دارند که ناشناسان آنان را بی نیاز می بندارند و از چهره شان می توان آنان را شناخت و با

سماجت از مردم درخواست نمی‌کنند. و هر چیزی در این راه اتفاق کنند خدا به آن بس داناست. آن‌ها که اموال خود را در شب و روز و نهان و آشکارا انفاق کنند پاداششان در پیشگاه پروردگارشان است و ترس و اندوه ندارند.

ص ۳۳۰ تا ۳۵۷

از آیه ۲۷۵ تا ۲۸۴:

آن‌ها که به جای انفاق به خلق، ربامی‌خورند به پانمی‌خیزند مگر مانند کسی که تماس شیطانی وی را به آشتگی دچار ساخته است. این آشتگی روحی از آن جهت است که بیع مشروع را مانند ربامی‌پندارند با آنکه خدا آن را حلال و این را حرام کرده است. پس آن رباخواری که فرمان پندآمیز خدا را دریافته و از رباخواری بازایستد، گذشته از آن او و کارش با خداست و آن‌ها که به رباخواری بازگردند همان یاران اشی و در آن جاودانند. خدا ربا را رو به تاریکی و نیستی می‌برد و همی‌افزاید صدقات را، چه خدا هیچ ناسپاس تبهکار را دوست نمی‌دارد. آن‌ها که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند و نماز را به پا دارند و زکات دهند، پاداش خود را نزد پروردگارشان دارند و دیگر نه ترسی بر آن‌هاست و نه اندوهگین می‌شوند. آن‌ها که ایمان آورده‌اند باید از خدا پروا گیرند و بازمانده از اموال ربوی را واگذارند اگر ایمانشان پایه‌ای دارد. و اگر ربا را وانگذارند باید آماده‌باش دهند به کارزاری که از سوی خدا و پیمبرش آغاز شده و اگر توبه کنند برای آن‌هاست سرمایه‌هاشان که نه ستم کنند و نه ستم شوند. و اگر بدهکار، در تنگی باشد مهلتی باید تا گشایشی یابد و اگر آن وام را صدقه محسوب دارند بهتر است. اگر این را دریابند. باید پروا یابند از روزی که در آن به سوی خدا رجوع داده می‌شوید، باز باید هر کسی آنچه را فراهم ساخته و هیچ ستم نشوند. گروه مؤمنین، چون در میان خود به وامی داد و ستد کنند که مدت معینی داشته باشد باید بنویسند و ثبت کنند و در میان آنان نویسنده‌ای باشد که به عدل ثبت کند و نباید کاتب از این مسئولیت سر باز زند و باید بر طبق احکام خدا بنویسد و بدهکار املا کند و کم و کاستی نکند و اگر بدهکار سفیه یا ناتوان در اندیشه و یا املا باشد، ولی او باید املا کند و باید در ثبت و املا، دو گواه از مردان مؤمن آورند و اگر نبود، یک مرد و دو زن که به آن‌ها رضایت دهند تا اگر یکی از دو زن شاهد، از شهادت به حق منحرف شد



و یا از یادش رفت دیگری به یاد آرد. و گواهان نباید از گواهی سر باز زنند و نباید در نوشتن، کم و بیش را نادیده گیرند. این گونه ثبت و گواهی، دادگرانه تر و پایدارتر و بیشتر مانع شک و بدبینی در میان مجتمع ایمانی است. و اگر داد و ستدی نقد و دست به دست در میان بود، ثبت نکردنش با کسی نیست. و چون داد و ستدی ارزش دار باشد گواه داشته باشید. و نباید به کاتب و شاهد، رنج و زبانی رسد که این موجب مایه‌مانی و بیرون رفتن از حدود است. و از خدا پروا گیرید و همان اوست که شما را می آموزد و به هر چیزی بس داناست. و اگر در سفر بودید که کاتبی نیافتید، در برابر وام گروگان دریافت دارید. و اگر به امانت دریافتید آن را در زمانش بازگردانید و از خدا پروا داشته باشید و گواهی را کتمان نکنید که این کتمان، از گناهکاری قلب است و خدا به هر چه می کنید آگاه است. برای خداست آنچه در آسمان ها و زمین است چه آشکارا کنید آنچه در درون نفوس خود دارید و یا پنهان نگه دارید، آن را به حساب می آورد و بازخواست می کند پس آن را که خواهد می آمرزد و آن را که خواهد عذاب می کند و بر هر چیزی تواناست. ص ۳۵۸ تا ۳۹۰

آیه ۲۸۵ و ۲۸۶:

پیمبر به آنچه به او از جانب پروردگارش نازل شده خود ایمان آورده و همچنین همه مؤمنان، به خدا و فرشتگان او و کتاب های او و پیمران او ایمان آورده اند و [به زبان ایمانی گویند:] ما در میان هیچ یک از پیمران خدا هدایی نمی اندیشیم و گفتند: شنیدیم و فرمانبریم، پروردگارا! آمرزش تو را می خواهیم و نه سوی تو است بازگشت نهایی. تکلیف نمی کند خداوند کسی را مگر به اندازه توانایی اش. برای اوست آنچه از خیر و نیکی کسب کرده و بر اوست آنچه از شر و بدی فراهم کرده. پروردگار ما! مؤاخذه مکن ما را به آنچه از یادمان رفته و یا به خطا انجام داده ایم و بر ما حمل مکن تعهدات و تکالیف سنگین را، آن سان که به پیشینیان حمل کردی. پروردگار ما! و تحمیل مکن به ما آنچه را که توان آن را نداریم. بگذر از ما و بیامرز ما را و رحم آر به ما، تویی سرپرست ما، پس یاری ده ما را بر گروه کفرکیشان. ص ۳۹۱ تا ۴۰۲

فهرست ها:

فهرست روایات / فهرست نام ها، واژه ها (اصطلاحات)، مکان و منابع. ص ۴۰۳ تا ۴۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عشقت رسیده فریادگر خود بسان حافظ
قرآن ز بر بخوانی با چهارده روایت

دریچه

«منظور قرآن، حاکمیت فرد نیست، حاکمیت کتاب است.
کتاب باید حاکم باشد که مظهر اراده خداست و نشان دهنده
حق و مبانی حق است».

«آیت الله طالقانی مسجد هدایت، سال ۱۳۴۸»

در این جا، یادآوری چند نکته در باره شیوه نوشتاری آیت الله طالقانی ضروری
به نظر می رسد:

۱. آیت الله طالقانی الفاظ قرآن را ظرفی حساب شده و پُر بار برای معانی و
مفاهیم قرآن می دانستند؛ از این رو در ترجمه آن ها به فارسی دقت و موشکافی
می کردند و گاه معنا و مفهومی را برای لفظی برمی گزیدند که نه در کتب لغت آمده نه
دیگری آن را بدین شکل آورده است. مثلاً در برابر لفظ «الْبِرَّ»، اصول بر مفاهیم
معمول و شناخته شده برای دیگران، مفهوم «فرزانگی» را برگزیده اند. نه از آن روی
که «فرزانگی» معنای لغوی «الْبِرَّ» باشد، بلکه بدان جهت که در آیه «... لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ
آمَنَ...» این مفهوم را از مجموع صفات و افعالی که برای «بِرّ» شده استنباط و
استحسان کرده اند.



لذا ترجمه کنار آیات را کاملاً لفظی و تطبیقی و غیر روان به فارسی کرده‌اند تا از لفظ قرآن منحرف نشده باشند، ولی در تفسیر آن را توضیح داده مطلب را به روشنی و روانی بیان کرده‌اند.

۲. برخی از الفاظ فارسی را در معنای خاصی به کار می‌بردند که یا از ادبیات کهن فارسی وام گرفته بودند و یا از خودشان وضع کرده بودند، مانند «همین» به جای «تنها» و «همی» به معنای «پیوسته» و «پی در پی».

۳. برخی از اسامی و افعال فارسی را، چنانکه در میان قدما مرسوم بود، در معنای دیگری به کار می‌بردند که در این ویراستاری همه آن‌ها در معنای درست خودشان به کار رفته است، مانند «نمودن» که هر جا به جای «کردن» به کار برده‌اند عوض شده است لیکن هر جا به معنای «نشان دادن» و «ارائه» بوده، به جای خود باقی مانده است. و نیز مانند «می‌باشد» که به جای «است» به کار برده‌اند که همه جا به «است» برگردانیده شد.

۴. هر یک از پاورقی‌ها، چه در توضیح متن یا منبع و سند آن که از خود آیت‌الله طالقانی بوده با قید (مؤلف) مشخص گردیده است، و هر یک از پاورقی‌ها نه امضا ندارد، از ویراستاران است.

ممکن است نکات دیگری هم در کار ما باشد که به علت فراموشی یادآوری نکرده‌ایم؛ به خواست خدا در جلدهای بعدی تدارک دیده خواهد شد.

من الله التوفیق

مجتمع فرهنگی آیت‌الله طالقانی

تابستان ۱۳۹۱

به نام پروردگار حکیم

مقدمه

ستایش و سپاس پروردگار جهانیان را که به ما توفیق داد تا کار ویرایش و مستندسازی و نمایه‌پردازی دو جلد نخست از «پرووی از قرآن» را به انجام رسانیم و هر دو جلد را که تفسیر سورة فاتحة الكتاب و البقرة است، با هم به علاقه‌مندان این تفسیر عرضه داریم، بدان امید که خوانندگان با خواندن و تدبّر در آن، به شایستگی از پرتوهای درخشنده از ذهن وقاد و نوآور زنده‌یاد آیت‌الله طالقانی توشه بگیرند.

شایان ذکر است که افزون بر ویراستاری نگارشی و انظمی و مستندسازی و نقطه‌گذاری‌های نوین، بر طبق شیوه‌نامه «فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، از آن جا که نویسنده فرهیخته این تفسیر، شیوه خاصی در نوشتن داشتند و قصدشان به تفکر و تدبّر واداشتن خواننده بود - چنانکه خود بارها اظهار می‌کردند - در پی‌آوری به توضیح مختصر برخی از جملات و عبارات مشکل یا مخصوص و یا اشاره‌وار پرداخته شد و از ساده کردن مطالب پر مغز و پایین آوردن سطح افاضات لغز، خودداری گردید، مبادا غرض یادآوری شده نویسنده نقض و نتیجه‌ای که باید از این



تفسیر پر مایه و کم نظیر به دست آید دچار نقصان شود.

با اینکه جلد نخست، تفسیر «سورة فاتحة الكتاب و سورة البقرة» تا پایان جزء اول قرآن است، لیکن جلد دوم، افزون بر جزء دوم، آیاتی از جزء سوم را هم تفسیر کرده است، زیرا مؤلف می خواسته سورة بقره را تا آخر تفسیر کند. لذا این دو جلد از «پرتوی از قرآن» که در ترتیب مجموعه آثار، جلدهای دوم و سوم به حساب می آید، تفسیر دو سورة نخست قرآن را در بر دارد، و مطابق با تقسیم بندی جزءهای قرآن نیست.

از خداوند مَنّان درخواست می کنیم که توفیق و یراستاری سایر مجلدات «پرتوی از قرآن» را نیز به ما عطا فرماید تا بتوانیم به وظیفه خود در برابر علاقه مندان به قرآن و تفسیر آن، عمل کنیم. در پایان بایسته است از همه دست اندرکاران این «مجموعه آثار» که در آغاز جلد نخست «پرتوی از قرآن» از آنان نام برده شده بار دیگر قدردانی و سپاسگزاری کنم و توفیق همه آنان و این کمترین را از پروردگار حکیم بخواهم. بمنتّه و کرمه.

سید محمدمهدی جعفری

رئیس کمیته علمی مجموعه آثار

فروردین ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 له الحمد وعلی محمد و آله الصّلاة و السّلام

جزء اول قرآن کریم از سورة حمد آغاز شده که به صورت جامع، اصول توحید و مسیر نهایی و راه مستقیم انسان را برای رسیدن به مقام شایسته‌اش بیان می‌کند. پس از آن، سورة بقره از تعریف و امتیاز خاص قرآن و تقسیم نفوس در پرتو آن و عاقبت هر گروهی آغاز شده است. [در ادامه]، آیات بالحن‌ها و موج‌های متنوع، همی پیش می‌رود: اعجاز و نقش قرآن، مسئولیت انسان و رابطه او با جهان، راز آفرینش و موطن اولی خلیفه زمین، موجبات هبوط و طریقه و انگیزه‌های صعود، سپس خطاب به بنی اسرائیل، نعمت‌های نبوت و شریعت، و زندگی سراسر نشیب و فراز و پرماجرا، انحراف‌ها و موضع‌گیری در برابر دعوت اسلام. در این میان، جهره نخستین منادی توحید و پدر پیمبران، ابراهیم با آنچه می‌گوید و می‌اندیشد و درخواست دارد، در ساختمان بیت الحرام نمایان می‌شود.

جزء دوم قرآن، از آیه ۱۴۲ سورة بقره ﴿سَيَقُولُ السُّفَهَاۗءُ مِنَ النَّاسِ﴾ آغاز



می‌گردد^۱، و آیه ۱۴۳ که در جلد اول «پرتوی از قرآن» آمده تا نومسلمانان را برای تحول قبله که مبنای تحول روحی و اجتماعی است، آماده کند و [به آنان] حکمت و اسرار آن را بنمایاند تا [آنان] رسالت و مسئولیتی را که دارند، بشناسند و در برابر فتنه‌ها و برخوردها خود را نبازند. اینان که تحول قبله را از بیت المقدس به سوی کعبه، دستاویز ایجاد شکوک و تشویش افکار مسلمانان ساخته‌اند، سبکسران و بی‌مایگان‌اند که از حقیقت توحید و اصل دعوت و ملت ابراهیم روی گردانده‌اند: ﴿وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ...﴾ تا ﴿سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَاهُمْ عَنْ قِبَلِهِمُ اللَّيُّ كَانُوا عَلِيَّهَا...﴾. انحراف و جمود اندیشه، آن‌ها را [چنان] بسته و محدود ساخته که خدای را محدود به مکان و قبله قومی خود و اسلام را هم، پیوسته به آیین نژادی خود، یا در بنی اسماعیل یا عرب می‌پنداشتند: «قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ...». این سمت‌گیری برای آن نیست که خداوند [در] مشرق و مغرب محدود گشته است؛ [بلکه] اصل آن برای هماهنگی روح و جسم، و تحول آن برای رهایی از مرز قومی و جمود است، تا امت وسط شوند و با تحرک روحی و پیشرفت در راه مستقیم و تربیت اسلام ناظر به همه جهات و شاهد بر دیگر مرده گردند و پیوسته به شاخص عالی که رسول است، نظر داشته باشند: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾.

قبله نخست به سوی بیت المقدس، امتحانی برای مسلمانان بود تا معلوم و محقق شود که چه کسانی از جمود و عادات و تقالید رسته و از رسالت پیروی می‌کنند و چه کسانی به عقب که همان عادات و تعصب‌های جاهلیت است، باز می‌گردند. بر

۱. جزء دوم قرآن معمولاً از آیه ۱۴۲: «سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ...» شروع می‌شود، اما مؤلف دو آیه اول جزء دوم را، به دلیل ارتباط مطلب با آیات قبل از آن، در آخر جلد اول «پرتوی از قرآن» آورده است، لذا جلد دوم از آیه ۱۴۴ آغاز می‌گردد.



اینان رویگرداندن از کعبه که به صورت افتخارات قومی در آمده بود، بس گران می آمد و می بایست این افتخارات شکسته شود تا ایمان خالص در نفوسشان شکل گیرد و مانند اهل کتاب نشوند که بیت المقدس را به صورت مفاخر قومی و انحصار نژادی در آورده اند: ﴿وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبِهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَظُفَرٌ رَحِيمٌ﴾.

اینک جزء دوم «برقوی از قرآن» از آیه ۱۴۴ که فرمان تحول قبله است، شروع می شود:

www.ketab.ir